

مطالعه تطبیقی نگاره معراج اثر سلطان محمد و استاد محمود فرشچیان

نیر طهوری^۱، صبا شیخ ابو مسعودی^۲

۱- استادیار گروه تخصصی هنر (نویسنده مسئول)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

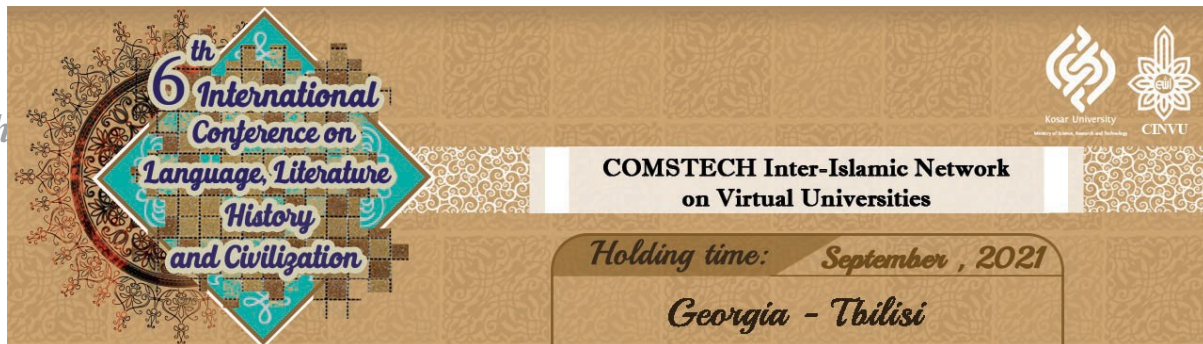
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نقاشی ایرانی، گروه تخصصی هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

چکیده

واقعه شگفت انگیز معراج یکی از مهم ترین رخدادهای تاریخ اسلام به شمار می رود که در نگارگری سنتی و معاصر ایران از جمله موضوعات قابل توجه نگارگران بوده است. معراج نامه ها به سفر معنوی و روحانی حضرت رسول (ص) و شرح مراحل سلوک آن حضرت در این سیر الهی می پردازند. همچنان که عارفان و شاعران ایرانی به نقل و توصیف و شرح این روایت پرداخته اند، نگارگران ایران اسلامی نیز بنا بر فرهنگ اعتقادی خویش در دوره های مختلف به تصویرسازی و تجسم این روایت عظیم دست زده و نسخه های متعددی از معراج نامه های مصور و منقوش فراهم کرده اند. هدف این مقاله بررسی تاثیرگذاری نقاشی سنتی سلطان محمد بر نقاشی محمود فرشچیان است و با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی به مقایسه روایت معراج در نگاره سلطان محمد، از مشاهیر دوره صفوی، و استاد فرشچیان از نگارگران دوره معاصر می پردازد. داده ها با بهره گیری از منابع موجود و اطلاعات کتابخانه ای جمع آوری شده اند. دو اثر مذکور از جهت فرم و رنگ و عناصر بصری و نمادها و ویژگی های تجسمی مورد مقایسه قرار می گیرند. سؤال اینست که چه شباهت ها و تفاوت هایی از نظر فرم و شکل و رنگ و ترکیب میان این دو اثر وجود دارد و تجسم معراج در نگاره معراج سلطان محمد و فرشچیان چگونه صورت گرفته است؟ یافته ها نشان می دهند که میان این دو اثر شباهت هایی به دلیل یکسان بودن موضوع وجود دارد ولی نحوه بیان بسیار متفاوت است.

کلید واژه ها: نگاره، معراج پیامبر، سلطان محمد، محمود فرشچیان، نقاشی ایرانی



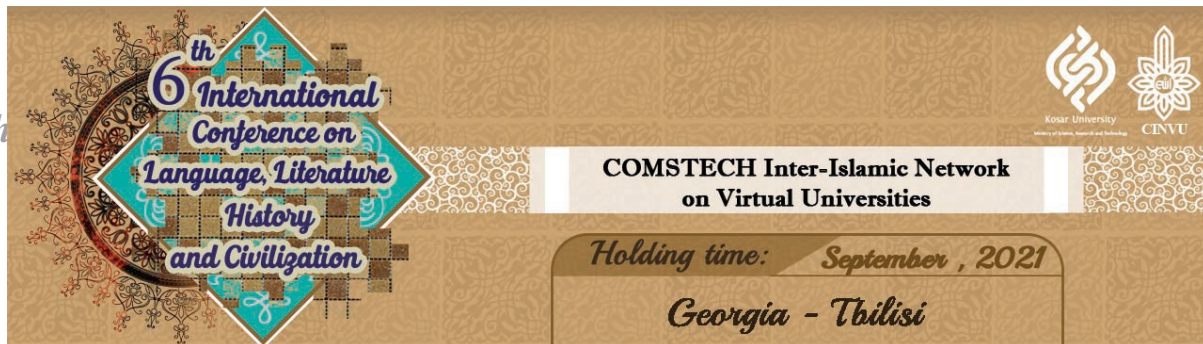
مقدمه:

نقاشی ایرانی معاصر در نگارگری ایران و نقاشی سنتی ایران، دارای وجه های تشابه و تفاوت هایی نسبی با سایر مکاتب گذشته و دارای کارکردها و مفاهیم خاص خود هستند. مسئله این پژوهش، چگونگی تکوین و تکامل سبک محمود فرشچیان و سبک سلطان محمد و استخراج مبانی یا بنیان های نظری و عملی آنها بوده است. هدف این نوشتار نیز بررسی تطبیقی سبک هنرمند با نقاشی ایرانی سنتی و استخراج مبانی نظری و عملی آن بوده است. بررسی جامع سبک هنرمند، علاوه بر روشن نمودن جایگاه آن در قیاس با مکاتب نگارگری گذشته و قضاوت و ارزیابی نسبت آن با شرایط دوران معاصر، به چشم انداز آینده نقاشی ایرانی نیز کمک فراوانی خواهد کرد. از آن جا که عظمت و بزرگی واقعه معراج برای تمام مسلمانان اتفاقی بزرگ و عظیم است، برای هنرمندان این موضوع با اهمیت بوده و سعی در به تصویر کشیدن آن در همه زمان ها داشته اند. معراج از دیدگاه لغت شناسان به معنی وسیله ی صعود و وسیله ی ترقی به مقام ملکوت است که فرشتگان هنگام مراجعه به درگاه خداوند سبحان به وسیله ی آن عروج می کنند.

سلطان محمد، در اواخر عمرش که همزمان با دوره اول شاه تهماسب صفوی است، در نسخه خمسه نظامی ۹۴۵ - ۹۴۹ ه. قکه در کتابخانه بریتانیا نگهداری میشود، مهارت چشمگیری از خود در به تصویر کشیدن نگاره معراج، نشان داده است. دوست محمد استاد نظام الدین سلطان محمد که تصویر را به جایی رسانیده که « هر وی در دیباچه مرقع بهرام میرزای صفوی از او نام برده است... با وجود هزاران دیده فلک مثلش را ندیده» (۱۳۶۳ ۲۱۹ کریمزاده تبریزی) مزیت مقاله حاضر بر پژوهش های پیشین یافتن ساختارهای مشترک در هر دو نگاره و تفسیر نماد های هر دو نگاره هست: ۱- قراردادن چهره ی پیامبر در هاله ی نور و ردای سبز ۲- استفاده از رنگ سبز و لاجوردی در نگاره ۳- هاله ی نورانی اطراف چهره حضرت ۳- پیامبر (ص)- مقام و مرتبه ی نبوی پیامبر در طبقات افلاکی بر این ساختارهای مشترک است. از این رو در این مقاله به روش کتابخانه ای، داده ها جمع آوری شد و سپس وجه اشتراک و افتراق شاخصه های ساختاری در هر دو نگاره شناسایی، دسته بندی و در قالب جداولی معرفی شدند. در نهایت به شیوه ی توصیفی- تحلیلی عوامل شییی تأثیر گذار بر ساختارهای نگاره در معراج، اثر سلطان محمد و معراج استاد محمود فرشچیان بیان شد و مساله ای که در این تحقیق وجود دارد تأثیر گذاری اثر معراج سلطان محمد بر معراج های دیگر و مخصوصا زمان معاصر است. و با توجه به اینکه استاد فرشچیان به آثار گذشتگان در تمرین های خود پشتکار فراوان داشته، قلمگیری او و ساختار نگاره های او تأثیر گرفته از آثار سنتی قدیم است. هنرمندان معاصر ایرانی نیز امروزه با الهام از دیگر آثار هنری به ویژه نگارگری سنتی به خلق آثار نوین می پردازند که می تواند عاملی در پیوستگی هنر معاصر با هنر سنتی ایران و انتقال مضامین و تجارب و سنت های هنری گذشتگان باشد.

روش تحقیق:

گردآوری داده های این مقاله به روش کتابخانه ای صورت گرفته است. در ابتدا تصویر معراج سلطان محمد بررسی می شود و سپس با نگاره فرشچیان مورد تطبیق قرار می گیرد. در نهایت داده های تصویری و نوشتاری جمع آوری شده در قالب جداول جداگانه و به شیوه ی توصیفی و تحلیلی مورد تطبیق قرار میگیرد.

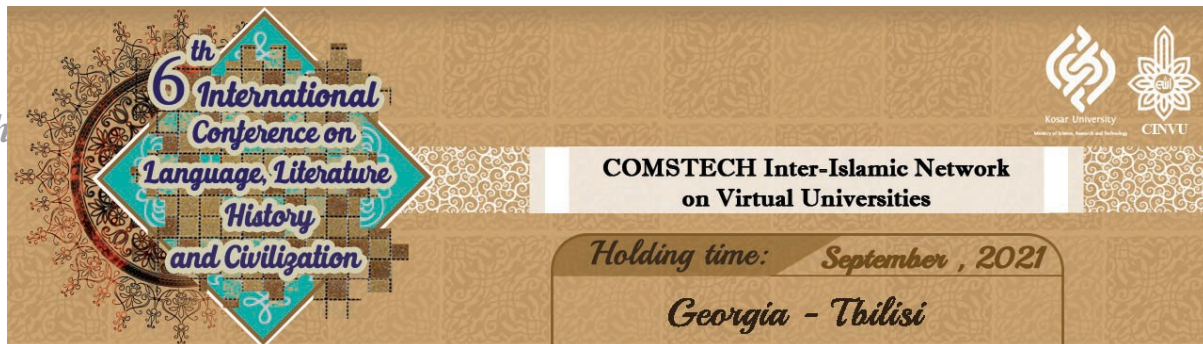


پیشینه تحقیق:

با بررسی پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به پژوهش انجام شده با عنوان: مطالعه تطبیقی بازنمایی معراج پیامبر در نگاره معراج احمد موسی و نگاره معراج سلطان محمد، ۱۳۹۷، پدیدآور: سمانه گلستانی استاد راهنما: مریم کهوند هدف اصلی از این پژوهش مقایسه تطبیقی دو نگاره معراج، یکی مربوط به دوره ایلخانی (نسخه معراج احمد موسی) و دیگری مربوط به دوره صفوی (نسخه معراج سلطان محمد) است که از نظر عناصر بصری و ترکیب‌بندی و سپس افق فکری و مذهبی (تشیع و تسنن) این دو هنرمند و برداشت آن‌ها از ماجرای معراج مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌است

بررسی تأثیرپذیری سبک سلطان محمد از فرهاد نقاش در نگاره معراج، ۱۳۹۵، پدیدآور: منا علایی استاد راهنما: فریبا شاپوریان استاد مشاور: آتوسا اعظم کثیری، واقعه معراج حضرت پیامبر (ص) از مهمترین وقایع تاریخ اسلام است که در دوره‌های مختلف مورد توجه شاعران، نویسندگان، مفسران و بویژه هنرمندان قرار گرفته‌است. موضوع معراج تأثیر عمیقی بر ادبیات داشته و سبب آفرینش آثاری منظوم و منثور شده است. بسیاری از شاعران و نویسندگان، معراج را دستمایه قلم خود کرده و معراج‌سرایی مورد توجه بیشتر شاعران بوده‌است. از جمله سنایی، خاقانی، نظامی، جامی و... در حقیقت این سنت ادبی به مرور زمان با موشکافی عمیق‌تر و همچنین با ذکر جزئیات بیشتر مطرح شده و بستر مناسبی جهت نازک-خیالی و نقش‌آفرینی هرچه زیباتر هنرمندان نگارگر در دوره‌ها و مکاتب مختلف شده‌است. از این رو نگارگران بسیاری بر آن داشتند با به خدمت گرفتن نمادها و سُنن تصویرگری معاصر خود، این سفر باشکوه را به روایت تصویر درآورند. از جهت ساختار بصری و ترکیب‌بندی خطی و به‌طور خلاصه پیام‌های تجسمی شباهت‌های چشمگیری بین این آثار وجود دارد، لذا این هنرمندان از شیوه‌های هنری یکدیگر تأثیر پذیرفتند.

مطالعه عناصر بصری و مذهبی در تابلو معراج فرشچیان و معراج سلطان محمد و تحلیل آنها به روش پانوفسکی، پدیدآور: سمیرا فروغی راد استاد راهنما: علیرضا شیخی ۱۳۹۶، شمایل نوعی نماد و نشانه تصویر است که معمولاً از یک متن دینی سخن می‌گوید و به تصویرگری روایتها و شخصیت‌های دینی می‌پردازد. در این مقاله، دو تابلوی معراج حضرت محمد صلوات الله علیه به تصویرگری سلطان محمد در دوره صفوی و محمود فرشچیان از دوره معاصر، را از نگاه شمایل‌شناسانه به روش پانوفسکی و با سه رویکرد مورد نظر او، بررسی می‌شود. سنتی از نگارگری که در دوران معاصر توسط استاد فرشچیان شکسته شد و پیامبر از زاویه دیگر (پشت به تصویر) با شناخت نمادها و شمایل‌ها به محتوای اثر پرداخته می‌شود. از آن جا که موضوع معراج از اوایل ورود اسلام به ایران یکی از داستانهای پررمز و راز و پر شگفتی برای اسلام آوران جدید بود هنرمندان و ادیبان زیادی طی قرون متمادی آن را روایت نمودند حتی در دوران معاصر، اما نحوه این روایت برای هر یک از هنرمندان با اتفاق جدیدی روبرو می‌شود که آن هم برداشت‌های روحی و روانی هنرمند در بستر رویدادهای اجتماعی، سیاسی هر دوره، توسط آن هنرمند می‌باشد. شمایل‌شناسی به یافتن این ریشه‌ها و محتواهای درونی هر نگاره به‌طور خاص می‌پردازد تا تحلیل ساختاری صرف. ابتدا دوره‌های زمانی هر دو نگاره بحث و بررسی می‌شود تا جایگاه هر کدام از عناصر به لحاظ بصری مشخص شود. این که در هر دوره زمانی چه



ویژگی هایی باعث رشد و ارتقاء هنر و علوم هر زمان شده و همچنین چطور عناصر بصری در بستر زمان تغییر و تحول یافته اند و دلایل این تغییرات نیز بررسی شده است. سپس اثرات ساختارهای مذهبی بر روی هر نگاره از نظر مفهومی و بصری در رنگ، فرم و محتوا و از لحاظ زمانی بر روی نگاره ها ایجاد شده، به روش پانوفسکی تجزیه و تحلیل می شود تا جایگاه نمادها در هر تابلو مشخص شود و همچنین زیر ساختهای فرهنگی و مذهبی آنها.

روش گردآوری اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش توصیفی، تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است که از طریق فیش برداری، منابع و ثبت اطلاعات حاصل از مشاهدات تصاویر آرشیوی صورت خواهد پذیرفت (کتاب موجود در کتابخانه ها، بررسی مقالات، اینترنت و جستجو در سایت های معتبر و قابل استناد، رساله و پایان نامه های موجود در این زمینه) روش تحلیل داده های کیفی است. این پژوهش پس از ارائه مطالب تئوری و تطبیق معراج از معراج سلطان محمد و معراج استاد فرشچیان، به تطبیق و مقایسه ویژگی ها مشترک این دو معراج مورد بررسی قرار میگیرد.

پیکره تحقیق:

معنی لغت معراج:


معراج در لغت به معنای نردبان، پلکان و آنچه از آن بالا روند و در معنای ادیبه معنای بالا رفتن و صعود کردن است و در معنای باطن به عروج پیامبر اعظم (ص) به عرش اعلی و شبی اشاره دارد که حضرت برای مشاهده حقایق عالم معاد به طبقات و مراتب آسمان عروج فرمودند. « درنوردیدن مرزهای مادی توسط پیامبر (ص) و اتصال با منبع نور الهی به معراج تعبیر میشود و در اینجا تصویر عالم ملکوت نقش گردیده (منظور نگاره سلطان محمد است) و حضرت رسول با هاله نورانیت با فرشتگان عرش اعلی همقدم گردیده است» (شایسته فر و کیایی، ۱۳۸۴:۴۰)

درباره سلطان محمد:

سلطان محمد نقاش از هنرمندان نام آشنای ایرانی است که در وصف مهارت هنری او سخن های بسیاری گفته شده است؛ « از جمله دوست محمد گواشانی در دیباچه اثر خود، او را استاد نظام الدین سلطان محمد می نامد که تصویر را به جایی رسانیده که با وجود هزار دیده فلک مثلش ندیده» (موضع پلن گپوشان آیدین آغداشلو شماره ۳۲۵) در زندگی هنری او به دو دوره قبل از صفویان و بعد از صفویان تقسیم میگردد. قبل از صفویان یعنی همان ترکمانان که پیوند این دوره را در شاهنامه شاه تهماسب مشاهده میکنیم و بعد از صفویان یعنی زمان ورود بهزاد به تبریز و تأثیرپذیری سلطان محمد از وی که در نگاره های دیوان حافظ قابل مشاهده است. او هم چنین در نگارگری خمسه نظامی که در سال ۸۵۵ ه. ق. ناتمام به دست شاه اسماعیل افتاده بود، مشارکت میکند. در نگاره های این نسخه رقم سلطان محمد ثبت است (آژند، ۱۳۸۴). آثار سلطان محمد در یک نگاه کلی، نشانه در به تصویر کشیدن وقایع مهم است؛ چنانکه آثارش همچون گوهری بر تارک نگارگری ششصدساله ایرانی - اسلامی می درخشد. آثار وی تلفیقی است از رنگ های درخشان، شاد و پرتحرک مکتب ترکمانان تبریز و ساختار بسیار سنجیده مکتب نگارگری هرات.

6th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities



Kosar University
Ministry of Science, Research and Technology
CIN VU

Holding time: September, 2021

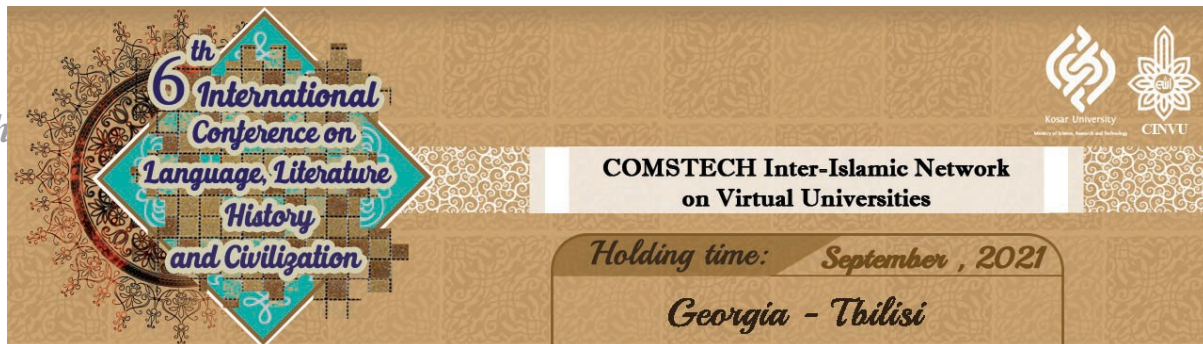
Georgia - Tbilisi

نگاره معراج سلطان محمد: یکی از کارهای برجسته هنری سلطان محمد محسوب می شود و در مکتب تبریز 2 در فاصله سال های ۹۵۰-۹۴۶ هجری قمری تهیه شده است. اندازه این نگاره ۷/۲۸.۶/۱۸ سانتی متر است و در موزه لندن نگهداری می شود (تصویر ۱). به نظر ولش «در نگاره معراج پیامبر نسخه خمسه نقاشی مذهبی اسلامی به اوج کمال خود دست یافته است (velch,1976:22)» (ص ۶ شماره ۱۴ علیرضا محمدی)

نگاره معراج سلطان محمد (تصویر ۱-) از درخشان ترین نمونه های تاریخ نگارگری است که در قرن (۱۰ ه.ق) در نسخه خطی مصورخمسه نظامی سفارش شاه تهماسب صفوی قرار گرفته است. این نسخه در فاصله میان سال های ۹۴۲ تا ۹۴۷ ه.ق. نقاشی و خوشنویسی شده است؛ این نسخه تا انتهای زمان فتحعلی شاه قاجار در کتابخانه سلطنتی حفظ می شده تا آنکه در سال ۱۸۸۰ م برای موزه بریتانیا از طریقی نامعلوم خریداری شده و تا به امروز در همان جا محفوظ ماند ه است. «معراج حضرت رسول اثر سلطان محمد نقاش نمونه کامل و شایست های است از یک اثر مذهبی و معنوی که در عین حال به تمام سنتهای نگارگری ایرانی وفادار و وابسته است» (آغداشلو، ۱۳۸۲:۲۳۱)



تصویر ۱: (نگاره معراج سلطان محمد ماخذ: ولش، ۱۳۸۴:۹۱)



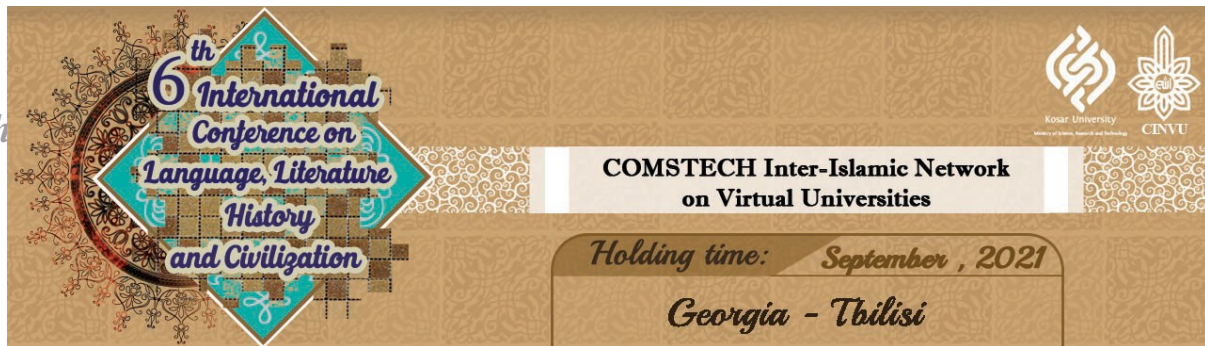
اعتقاد به عروج به ماورای جهان مادی، در آثار مکتوب و تجسمی جوامع توحیدی یا چندخدایی و حتی اقوام غیرخداپاور، نشان از علاقه انسان به برقراری ارتباط با جهان غیرمادی دارد و این باور از شرق تا غرب دنیای باستان را شامل می شود. طیف گسترده معنای معراج در اساطیر، از پرواز روح شمن، ورود قهرمان به اریکه خدایان و سفر به بهشت و جهنم تا تهذیب نفس و رسیدن به روشنگری را شامل می شود. در سوره اسراء که هفدهمین سوره قرآن کریم است به معراج شگفت انگیز پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است. (ص ۸۷ مقاله سلیمه بابا خان و بهنام کامرانی)

سلطان محمد شروع معراج را که بسیاری بازدید پیامبر از بهشت و جهنم به تصویر کشید ه اند به بخش میانی معراج (میان مبداء و مقصد) توجه کرده است. اثری که از قدرت هنرمندانه و فرمهای بینظیر، رنگهای هماهنگ شده، ترکیب بندی بسیار محکم و عمق نمایی بدون استفاده از پرسپکتیو از همه مهم تر همبستگی کلی و تمامیت یافتگی عناصر تصویری حکایت دارد. توجه به اجزای گوناگون و جزئیات بصری و تجسمی بسیار قابل توجه است. میتوان گفت که: ریتم موجود در این اثر حکایت از زمان دارد. هر فرشته، بازنمای تحرکی است که تکرار منظم ویژگی ها، عناصر و پدیده ها، در کارش به چشم میخورد. این ریتم، حکایت از زمان دارد؛ زمان به این معنی که فرشته ها، مانند موج، حرکت میکنند.؛ سلطان محمد با تنوع رنگهای درخشان و طراحی دقیق بر عظمت بال فرشته ها حرکت را با ترکیب بندی اسپیرال ایجاد کرده است. او با رنگها فضایی غیرمادی القا می کند. او در آثارش حالات درونی را به شکل بیانگرایانه (اکسپرسیو) تصویر میکشد. بازی رنگها بیشتر ماورائی است؛ رنگهای مکمل در کنار یکدیگر که بیننده کمبود رنگی را در [اثر] احساس نمیکند. او نوزده فرشته را با هدایای متفاوتی همچون: بخوردان، سینی های زرین پر از میوه های بهشتی، انوار الهی قرآن مجید، لباس سبز بهشتی همراه با ظرفهایی از نور مقدس در حال حمد و ثنا و خو شآمدگویی به پیامبر اسلام نقاشی کرده. جبرئیل در نقش فرشته راهنما، پیشاپیش پیامبر با هاله نورانی نقاشی شده و نکته حائز اهمیت، رعایت پرسپکتیو در این اثر است؛ یعنی پیکر پیامبر و جبرئیل بزرگتر از بقیه فرشته ها است که نشان از مقام والای ایشان دارد.

درباره ی محمود فرشچیان :

استاد محمود فرشچیان در مقام یک هنرمند پدیده ای استثنایی در قرن بیست و یکم است. او در هجده سالگی با افرینش اثری به نام گل ادم نشان داد که تصویرگری استثنایی است. استاد محمود فرشچیان به سال ۱۳۰۸ در شهر اصفهان به دنیا آمده است. پدر ایشان تاجر فرش بودند و همین باعث برانگیختن ذوق و علاقه ایشان به هنر شد و از کودکی روی طرح های قالی نقش پردازی میکرد. تحصیلات مقدماتی خود را در محضر استاد حاج میرزا اقا امامی و استاد عیسی بهادری به فراگیری اصول و مبانی طراحی سنتی پرداخت.

نقاشی های عالی در دوران گذشته قطعا در پایه ساختار زیر بنایی دایره وار تصویر شده اند و از جمله سلطان محمد از نخستین نمونه هایی است که از این ساختار استفاده کرده است. و این نشان دهنده تاثیر پذیری این هنرمند از سبک سنتی است. استاد محمود فرشچیان، نگارگر برجسته معاصر و واقف و اهداکننده آثار منحصر به فرد هنری به موزه آستان قدس رضوی، تاکنون نشان های ارزشمندی مانند نشان درجه یک هنر ایتالیا، تندیس طلایی اسکار ایتالیا، نشان هنر نخل طلایی



ایتالیا، تندیس طلایی اروپایی هنر ایتالیا، دیپلم آکادمیک اروپا، دیپلم لیاقت دانشگاه هنر ایتالیا، مدال طلای آکادمی هنر و کار ایتالیا،..را دریافت کرده است. فرشچیان خود چنین نقل می‌کند که:

من برای کشیدن این تابلو متون زیادی خوانده، تحقیقات بسیاری انجام داده و با علما بسیاری سخن گفتم. گویا شب معراج در ۱۸ ماه رمضان اتفاق افتاده است و من در این تابلو نشان دادم که پیامبر رو به هلال ماه بالا می‌رود. من برای این تابلو زحمت کشیدم و شبانه روز روی آن کار کرده ام اما هنوز خودم را مثل یک جوان ۴۵ ساله نیرومند و قدرتمند می‌دانم، من پیامبر را با اسب‌شان رو به درگاه الهی کشیده ام، من در کارهایم همیشه سعی کرده ام ظاهر فرشتگان در شمایی بین زن و مرد مشابه باشند (۲۶ شهریور ۱۳۹۲ - ساعت

<https://tn.ai/142872> ۱۶:۲۶

معراج اثر استاد محمود فرشچیان:

«معراج» اثر محمود فرشچیان که مدت یک‌سال در «موزه استاد فرشچیان» به نمایش گذاشته شده بود، به بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا (ع) و موزه آستان قدس رضوی منتقل شده است. «معراج» پانزدهمین نگاره اهدایی استاد فرشچیان و یکی از شاهکارهای هنری معاصر است. این اثر در ابعاد ۸۰*۱۰۰ سانتیمتر و با تکنیک آکرلیک و طی مدت یک‌سال و چند ماه در سال ۱۳۹۱ نقاشی شده است. در تابلوی معراج همه مخلوقات از جمله حضرت رسول اکرم (ص) با اسب خود، براق، رو به سوی درگاه الوهیت دارند و به سمت نور الهی در حرکت‌اند.

<https://www.isna.ir/news/93071207010> / (تصویر ۲)

6th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: September, 2021
Georgia - Tbilisi

Kosar University
CINLU



(تصویر ۲) ماخذ (خبرگزاری ایسنا): نگاره معراج اثر محمود فرشچیان، ۱۳۹۱، محل نگهداری موزه

Fig. 4: Ascension of Prophet, ابعاد رضوی قدس آستان (isna.ir/fa/news/930712) 80cm×100

Astan Quds Razavi Museum, 80*100 cm, by Mahmud Farshchian

جدول مقایسه تطبیقی معراج سلطان محمد و معراج محمود فرشچیان	
معراج استاد محمود فرشچیان	معراج سلطان محمد
 <p>فرشچیان اثر محمود معراج نگاره Ascension Painting of 1391-Farshchian ش.ه. 2012.A.D رضوی قدس آستان موزه Astan Quds Razavi Central فرشچیان محمود Museum Mahmud Farshchian 100 × 80-100*80 cm</p>	 <p>نگاره معراج در خمسه طهماسبی Ascension in Khamse of shah Tahmasp 946-949 ه.ق. 1540-1543 A.D. موزه بریتانیا British museum سلطان محمد تبریزی Soltan Mohammad Tabrizi 18/6*27/8 cm-18/6 × 27/8</p>



ترکیب بندی اسپیرال



ترکیب بندی اسپیرال

جدول ویژه گی های شمایی



پوشاندن چهره مقدس - هاله آتشین به
نشانه مقدس بون - شال سفید و
رنگ سبزر در جامه حضرت محمد
(ص)

نگاره معراج در خمسه طهماسبی

پوشاندن چهره با تمهید نمای پشت به
بیننده - رنگهای روشن نورانی - شال
سفید و رنگ سبز در لباس حضرت

نگاره معراج اثر محمود فرشچیان

6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi

Kosar University
CINLU

	<p>محمد (ص)</p>	
---	-----------------	--

در شباهت ها و تفاوت های دو نگاره از لحاظ عناصر ساختاری و نشانه ای

<p>براق در اثر استاد فرشچیان تقریباً از همان رنگ است که در اثر سلطان محمد هست و با اجزایی بال گونه در پاهایش نقاشی شده، بیشتر اسب گونه و طبیعت گراست، شاید به این دلیل که چهره انسانمانندی که باید داشته باشد، به واسطه زاویه نمایش تصویر، از دید بیننده پنهان است.</p>	<p>براق در اثر سلطان محمد صورت و چهره زنانه، تاج به سر، گردن آویز تزئینی، دارای زین تزئینی، روی زمینه لاجورد نقاشی شده، سر در هاله طلایی قرار دارد. رنگ زین طلایی نقش دار است، رنگ براق سفید، گردن آویز سبز و طلایی، دم بلند حالت دار، جهت پاهای متفاوت است.</p>
	

6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: *September, 2021*
Georgia - Tbilisi

Kosar University
CINLU

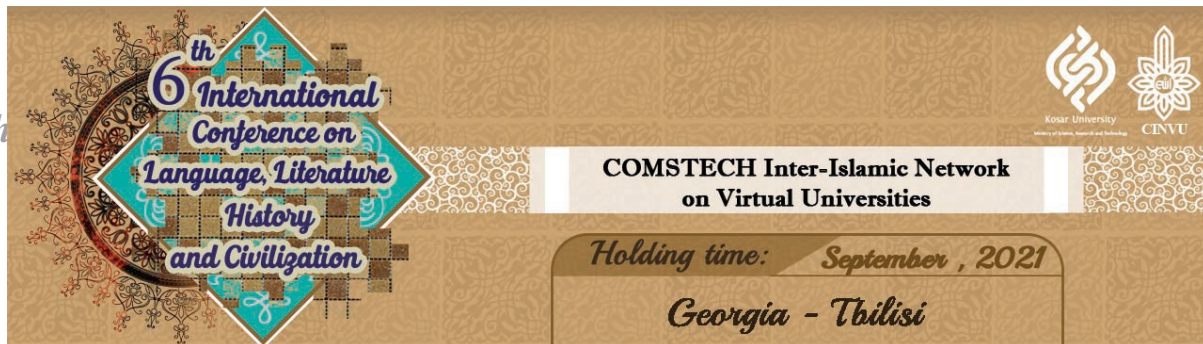
عناصر تصویری نگاره ها

				
براق	اسمان	جبرئیل	فرشتگان	نگاره
پوست ابلق، تاج بر سر، با چهره انسانی و طوق بر گردن، بدون بال در حال پرواز - تاج متفاوت است - پوششی مثل پوشش اسب کشیده شده	ستارگان و شعله های نورانی بزرگ - ابرهای شعله مانند و پرپیچ و خم و ماه - همه نماد وحدت در کثرت است.	مهمترین شخصیت پس از پیامبر(ص) است - هاله مقدس دارد - راهنما است با حرکت دستها - کلاهی به رنگ طلایی و سیاه را بر سر دارد - رنگ آبی که معنویت و آرامش را القاء می کند.	هجده فرشته - همه به جز جبرئیل بدون هاله نور - زیاد بودن تعداد فرشتگان نشان دهنده اهمیت استقبال از حضرت محمد (ص) - با لباس هایی با طرح و رنگ متنوع - زرد، قرمز، سبز، آبی - و کلاه های زرد و سیاه دارند. همراه با هدایا	معراج سلطان محمد

				
بال دارد - اسب گونه و طبیعت گرا- چهره اش پنهان است به دلیل زاویه نمایش تصویر	آسمان لاجوردی با فام های تیره و روشن، پوشیده از بال و پر فرشتگان، ستارگان و هاله نور، همراه با تونلی از نور	هیچ یک از فرشتگان به عنوان جبرئیل مشخص نشده جبرئیل در نقاشی ندارد	فرشتگان بال، چهره و جامه زنانه و حجاب بر سر دارند - هدایای فرشتگان به صورت گل نشان داده شده	معراج فرشچیان

مقایسه ویژگی های تجسمی دو نگاره از لحاظ حرکت و ترکیب بندی و طراحی و رنگ و حجم نمایی و پیکره سازی و واقع نمایی یا خیال پردازی هنرمند در این دو اثر نشان می دهد:

از لحاظ حرکت در نگاره سلطان محمد از چپ به راست- بطرف بالا و از عمق به سطح در اثر سلطان محمد در صحنه معراج خمسه، کادر تصویر به دو قسمت طلایی- مستطیل افقی در پایین و مربع شاخص در بالا - تقسیم شده است و موضوع اصلی در مربع شاخص طلایی قرار گرفته؛ رنگ های نمادین با اصول هماهنگی و تضاد رنگ، در تطابق با ترکیب مارپیچی است، پیکره های رنگارنگ فرشتگان، طوری در حرکتی اسپیرالی مارپیچی یا حلزونی نظام یافته اند که بیننده را به پیکره شخصیت اصلی یعنی حضرت محمد (ص) در نیمه فوقانی و کمی بالاتر از مرکز تصویر، هدایت می کند. زمینه لاجوردی تیره به برجسته کردن حالات و حرکات پیکره ها و اجزای تصویر کمک کرده؛ پیکره های که از لحاظ طراحی دقیق اندام و حرکات، نشان از مهارت نگارگر دارد. در این اثر حرکت عروج از راست به چپ و به طرف بالا نشان داده شده است. ترکیب بندی تابلوی استاد فرشچیان یادآور ترکیب های دایره وار نگارگری مکتب بهزاد و آثار هنرمندان مکتب تبریز صفوی و مشهد است. این نوع ترکیب بندی دایره ای یا حلزونی، تداعی کننده معنای عرفانی وحدت و گردش تمام اجزای طبیعت به دور پیامبر است. در مقایسه با نگاره سلطان محمد این ویژگی از شباهت خاصی برخوردار است. در این نگاره، رنگ ها هرچند به صورت مکمل انتخاب شده اند، ولی بسیار ملایم هستند. البته کثرت های مختلف رنگ سبز و ارغوانی که هماهنگی با ترکیب و در مجاورت رنگ های روشن فام به



چرخش درآمده اند، و مثل اثر سلطان محمد فضایی روحانی و عرفانی را ایجاد کرده است. در این نگاره حرکت به طرف بالا و با تمرکز بر نقطه طلایی نیمه بالایی قاب تصویر نشان داده شده که حرکت چشم به درون اثر را هدایت می کند و به برداشت عرفانی از معراج که سفر به عالم های درونی روحانی است، نزدیک می شود. زاویه دید در تصویر به نوعی است که پیکره پیامبر(ص) پشت به بیننده و گویی به سوی درون و بالا دور می شود. حلزونی یا اسپیرالی - تقسیم کادر به دو قسمت طلایی - مستطیل افقی درپایین و مربع شاخص دربالا - قرارگیری موضوع اصلی در مربع شاخص طلایی - و در اثر فرشچیان هم ترکیب بندی اسپیرال وجود دارد.

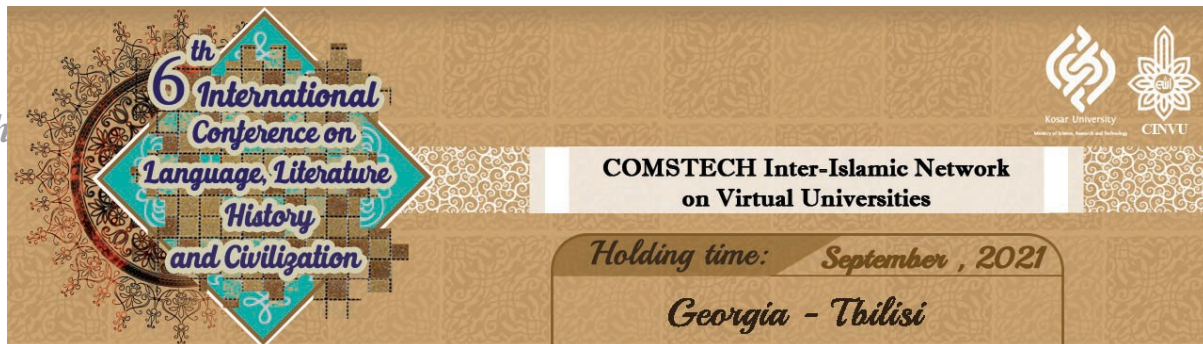
نتیجه گیری:

ویژگی های تجسمی در هر دو نگاره نشان می دهد که استاد فرشچیان از برخی عناصر ساختاری نقاشی سلطان محمد و ویژگی های نقاشی سنتی در آثار خود پیروی کرده ولی نه کاملاً و این امر نشان می دهد که شاهکار سلطان محمد تا حدودی در نگارگری معاصر، از جمله آثار محمود فرشچیان تاثیرگذار بوده است. به دلیل یکسان بودن موضوع نقاشی که اختصاص به تصویرسازی معراج پیامبر اسلام دارد، بدیهی است که میان آن دو شباهت هایی در بیان تصویری، در عین اختلافات تجسمی وجود داشته باشد. محمود فرشچیان مدتها به تمرین در قلمگیری مشغول بوده و بر روی آثار رضا عباسی و نگارگران دوره صفویه بسیار کار می کرده است. این تاثیرپذیری در اثر او، با خلاقیت و سبک مخصوص به خود حس و حال ویژه ای در نگارگری معاصر ایجاد کرده و با ایده پردازی و خلاقیت و مهارت خاصش، سبک ویژه خود را پدید آورده است. مقایسه یافته ها نتایج چندی را در مطابقت این دو اثر آشکار می کند که به اختصار به شرح آن می پردازیم:

- هیچ یک از عناصر و جزئیات در هر دو اثر حالت سکون ندارند و حرکت و انعطاف را در خود دارند. ترکیب حلزونی (اسپیرالی) حول نقطه مرکزی تصویر یعنی پیامبر، حرکتی دورانی ایجاد می کند و از سکون تصویر جلوگیری می کند.

- در نگاره معراج سلطان محمد، پیامبر دستار به سر دارد و صورتش با برقی سفید پوشانده شده، سوار بر براق با زین و براق و تاجی بر سر در پی جبرئیل که روی به سوی ایشان دارد، روان است. در حالیکه در نقاشی فرشچیان، برای احتراز از تصویر کردن چهره پیامبر، ایشان و مرکبش از پشت و با زاویه نسبت به محور عمودی نشان داده شده اند، به طوری که دستها را به سمت آسمان بالا برده و حالت دعا به خود گرفته است.

- حرکت همه شخصیت های جاندار در تصویر سلطان محمد با توجه به تعداد نسبتاً زیاد فرشتگان که در عقب سر پیامبر و اسبش هستند و با توجه به جهت حرکت براق، از راست به چپ نشان داده شده، تنها جبرئیل است که در همان سو حرکت می کند ولی روی به سمت پیامبر دارد. در حالیکه حرکت در نقاشی فرشچیان در نقطه مرکزی با تصویر کردن پیکر پیامبر به صورت خیزشی رو به بالاست! پیامبر سوار بر براق با حرکت پیچشی نواری از نور روی به سمت آسمان دارد و در حال دعاست. در حالیکه در اثر سلطان محمد پیامبر در حال رفتن به محضر خدا نشان داده شده و از جلوتر بودن جبرئیل به عنوان راهنما، مشخص است که وی هنوز به محضر خداوند نرسیده است. در نگاره فرشچیان شخصیتی به عنوان جبرئیل مشخص نیست.

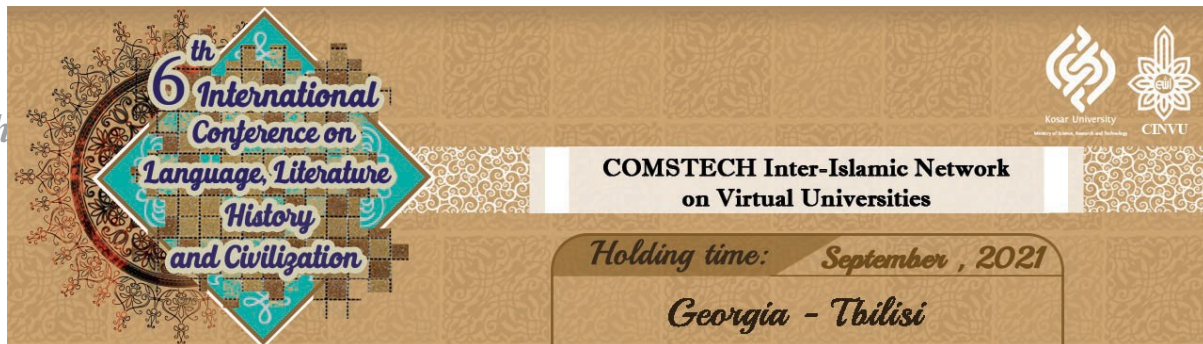


- در کار فرشچیان، چهره‌های انسانی به جز پیامبر، با صورت‌های زنانه مرسوم در مینیاتورهای جدید ایرانی، گرد پیامبر حلقه زده‌اند و مثل ایشان با دستهای خالی مشغول نیایش به درگاه خداوند دیده می‌شوند. تنها یکی از آنها که از نیم‌رخ و به صورت واضحتری تصویر شده با بغلی پر از گل رو به سوی پیامبر دارد و به او می‌نگرد. چهره هیچ کدام تمام رخ نشان داده نشده و دو تن از آنها در سمت راست تصویر سه رخ به تصویر درآمده‌اند. گویا نقاش استعاره‌ای از حوریان بهشتی را گرد پیامبر نمایانده است. در برخی شخصیت‌های تصویر، چین و شکن موج رداها با بال‌ها در هم تنیده و پیکرشان را در بر گرفته، لیکن بالهایی هم دیده می‌شوند بدون اینکه نشان داده شده باشد که متعلق به کیستند. بخشی اندک از صورت براق که از دیده می‌شود، نشان از صورت زنانه او دارد. جمع زنان در سمت راست و چپ و زیرپای پیامبر ترسیم شده‌اند و بالای سر پیامبر در بخش مرکزی اثر کسی نیست. در حالیکه در نگاره صفوی، ۱۸ شخصیت با پیکر و صورت انسانی جنسیت زنانه ندارند و هر یک هدیه‌ای در دست دارد که در استقبال از پیامبر به او پیشکش نمایند و گرداگرد او را احاطه کرده‌اند. همه بالدارند و هیچ‌یک فرّه‌مند نیستند، در حالی که یکی از آنان هم قندیل فرّه‌مندی را برای پیامبر هدیه آورده است.

- در نگاره صفوی بزرگترین فرّه همچون شعله‌های آتش از آن پیامبر است و براق هم فرّه‌مند است و جبرئیل، ولی دیگر فرشتگان بالدار است که سراسر متن را پر کرده‌اند فاقد فرّه‌اند. قندیل فرّه‌مندی در پایین سمت چپ نگاره دیده می‌شود که گویا اشاره به آیه معروف سوره نور دارد، در نگاره امروزی اما، اثری از چنین عنصری دیده نمی‌شود و به جای آن نوار ابرمانندی با حرکتی حلزونی دور پیکر پیامبر را به سوی آسمان فرا می‌گیرد.

- براق در هر دو نقاشی مرکب پیامبر است و نشان می‌دهد که اسب در معراج همراه پیامبر بوده که این امر از صعود براق به آسمان همراه پیامبر خبر دارد. براق در تصویر خمسه، فاقد بال است و دمی باریک و معلق در هوا دارد، پاهایش تیره‌تر از رنگ صورتی بدنش نمایانده شده، فرّه‌مند است و چهره‌اش به پسران جوان می‌ماند. با تاجی بر سر، از زین و یراق‌آلات برخوردار است و به سمت جبرئیل در حال حرکت. در حالی که براق در نقاشی فرشچیان، دمی پرپشت ولی کوتاه دارد. نه تنها خود مرکب بالدار است که ساق‌هایش نیز بالدار به نظر می‌رسند. یراق‌آلات در ناحیه کفل و دم او نمایان است.

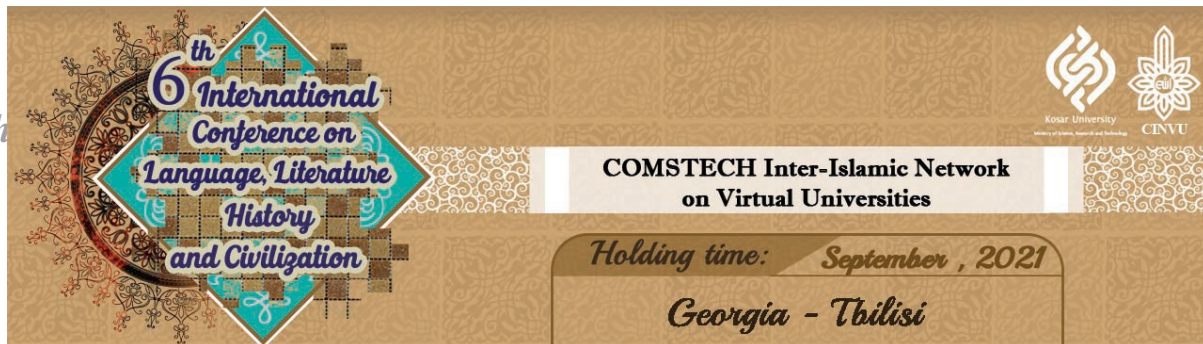
- پس‌زمینه تصویر خمسه به رنگ لاجوردی است و سحرگاهان را می‌ماند که ستاره‌های کوچک در آن پراکنده‌اند. به آیه قرآن اشاره می‌کند که معراج در شبی از مکه به بیت‌المقدس و بالعکس رخ داد. در حالی که پس‌زمینه تصویر فرشچیان، به رنگ آبی روشن است که با وجود نوار سفید نورمانند روشن‌تر هم به نظر می‌رسد. ستاره‌های کوچکی در اولی دیده می‌شود تا نور پیامبر و فرّه او مشخص‌تر باشند و او بر بالای ابرهای سفید به شیوه چینی در صعود است. گویی ابرها کنایه از زمین زیر پای اوست که آسمانی است. ماه در پایین سمت راست تصویر به صورت نیم‌دایره‌ای محاط در هاله‌ای سفید دیده می‌شود که عقبتر و پایین‌تر از پیامبر و براق قرار دارد. ستارگان در نقاشی فرشچیان به نسبت بزرگ‌ترند و ماه در وسط پایین‌ترین بخش قرار گرفته گویی تصویر ماه در آب افتاده باشد.



- سلطان محمد لباس‌ها را در زمینه آبی لاجوردی کار رنگارنگ تصویر کرده و از رنگ‌های گرم سبز و سرخ و زرد بهره گرفته است. در حالی که فرشچیان در زمینه آبی روشن کار خود، لباس‌ها را به رنگ‌های هم‌گن سرد مثل سبز و بنفش نشان داده است. در این اثر لباس‌های زنانه چنان موج و پرچین و شکن تصویر شده‌اند که با دیگر عناصر تصویر درهم تنیده‌اند و با بالها ادغام شده‌اند.

- در مینیاتور سلطان محمد، چون تصویرسازی خمسه نظامی هدف بوده، دو قاب شامل جمعا ۹ بیت از خمسه، یکی با ۳ بیت در بالای سمت راست اثر و دیگری با ۶ بیت در پایین سمت چپ نقاشی را محصور می‌کنند. در نقاشی فرشچیان خوشنویسی وجود ندارد چون هدف تصویرسازی دیوان شعر نبوده است.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که شباهت‌ها میان دو تصویر بیشتر موضوعی و بیانی است، نه در استفاده از جزئیات یکسان، چنانکه ذکر شد. نگاره سلطان محمد به مراتب بیانی ملکوتی دارد و روحانی‌تر به نظر می‌رسد، در حالی که نگاره فرشچیان تصویری زمینی از رخدادی آسمانی است. چهره‌ها در اولی از جنسیت مشخصی برخوردار نیستند، در مقابل صورت‌ها در کار فرشچیان زنانه تصویر شده‌اند. بالدار بودن اسب پیامبر در این اثر بیشتر بیانی امروزی و معاصر و غربی از عروج به آسمان است. در حالی که در نگاره سلطان محمد نه پیامبر و نه اسب او نیازی به بال ندارند و فقط جبرئیل و فرشتگان بالهای ظریفی دارند که متفاوت از بالهای فرشتگان در نقاشی‌های مسیحی است.



منابع:

- ۱- آژند، یعقوب ۱۳۸۴ سیمای سلطان محمد نقاش، تهران: فرهنگستان هنر.
- ۲- بررسی تأثیرپذیری سبک سلطان محمد از فرهاد نقاش در نگاره معراج، ۱۳۹۵، پدیدآور: منا علایی استاد راهنما: فریبا شاپوریان استاد مشاور: آتوسا اعظم کثیری
- ۳- بررسی سبک و آثار محمود فرشچیان، مبانی نظری و عملی، فصلنامه مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ نویسنده «امیر رضایی نبرد
- ۴- باباخان، سلیمه و بهنام کامرانی (۱۳۹۹)، «خوانش نگاره معراج پیامبر (ص) اثر سلطان محمد از منظر اصول گشتالت، فصلنامه نگره شماره ۵۳، ۸۳-۹۷.
- ۵- پاکباز، روین (۱۳۸۳) *دایره المعارف هنر، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ معاصر*
- ۶- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۹)، *سیر و صور نقاشی ایران؛ ترجمه یعقوب آژند، چاپ سوم، تهران: مولی.*
- ۷- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴)، *عناصر شیعی در نگارگری تیموریان و صفویان، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.*
- ۸- شایسته فر، مهناز و مریم متفکر آزاد (۱۳۹۲)، «نگاهی بر حکمت معنوی نگارگری ایرانی»؛ *مطالعه موردی نگاره معراج پیامبر (ص) کتاب ماه هنر شماره ۱۸۳، ۸۸-۹۵.*
- ۹- مطالعه عناصر بصری و مذهبی در تابلو معراج فرشچیان و معراج سلطان محمد و تحلیل آنها به روش پانوفسکی، پدیدآور: سمیرا فروغی راد استاد راهنما: علیرضا شیخی ۱۳۹۶
- ۱۰- کن بای، شیلا (۱۳۸۷)، *نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.*
- ۱۱- مهدی زاده، علیرضا (۱۳۹۴)، «مقایسه تطبیقی معراج در خمسه نظامی و فالنامه تهماسبی»، *جلوه هنر، شماره ۱۴، ۱۶-۵.*
- ۱۲- مطالعه تطبیقی بازنمایی معراج پیامبر در نگاره معراج احمد موسی و نگاره معراج سلطان محمد، ۱۳۹۷، پدیدآور: سمانه گلستانی استاد راهنما: مریم کهوند

1. Academy publications. in Persian.
2. Cary Welch, S. (1976). *Persian Painting: Five Royal Safavid*
3. Grabar, O. (2004). *An Introduction to Persian Painting.*
4. George Braziller, *Manuscripts of the Sixteenth Century*
5. Publications.
6. Pop, A., and others. (2005). *Persian Painting.* (Translated by